

**گفت‌وگو**
**دفا حیدری**

چون ترامادول توسط فوتبالیست‌های ایرانی به یک بحران تبدیل شده است؛ بحرانی که اگر در چند سال گذشته چیزی شبیه به یک شایعه ناراحت‌کننده بود،اما امروز یک حقیقت تلخ است. مسئله‌ای که حسین آبانگاه، دبیر سابق کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال در گفت‌وگوی اختصاصی خود با «جوان» به وجود آن در فوتبال تأکید می‌کند: «روی آوردن بازیکنان به موادمخدر، شیشه و استفاده از ترامادول دیگر چیزی نیست که بنوان آن را کتمان کرد و باید به جای توجیه و تکذیب،به دنبال ریشه‌کن کردن این معضل بزرگ بود.»



**بررسی گسترش مخدرها و ترامادول در فوتبال**

**در گفت‌وگوی «جوان» با حسین آبانگاه، دبیر سابق کمیته اخلاق فدراسیون فوتبال**

# خیلی وقت است کار فوتبالیست‌ها از قلیان و سیگار گذشته!

باخبر هستند. شاید اگر چند سال قبل بود می‌شد باور

کرد، اما الان دیگر نه. حتی اگر بگویم نمی‌دانند هم مدیران اخلاق مدار باید سرپرستانی آگاه را بر سر کار بگذارند، یا کادر پزشکی و تدارکات از عوامل خود آنها باشد تا در موقع بروز چنین اتفاقاتی بتوانند مقابله کنند. باشگاه‌ها و مدیران باید حواسشان جمع باشد. نمی‌توان با این حرف‌ها شانه از زیر بار مسئولیت خالی کرد. متأسفانه اما بسیاری از مدیران ما به وظایف خود و مسئولیتی که بر دوش آنهاست آگاه نیستند!

**برای مقابله با این مقوله شوم چه باید کرد؟**

اگرچه در است اما همین امروز هم می‌توانیم کلاس‌های آموزشی بر گزار کرد و فوتبالیست‌ها را آموزش دهیم. باید آگاهی آنها را بالا ببریم. برخی قرص‌ها مثل ترامادول در لیست دوپینگ نیست اما بسیار مضر و خطرناک است. پزشکان و متخصصان مختلف بارها و بارها اعلام کرده‌اند که استفاده از این قرص‌ها بیش از ۱۰ روز مجاز نیست و در ساده‌ترین حالت باعث اعتیاد و حتی روی آوردن مصرف‌کننده به موادمخدر دیگری می‌شود. از طرفی دیگر اختلاف‌های شدیددر سیستم‌تنفسی، کلیه‌و کبد،خستگی و ضعف عمومی، گشاد شدن رگ‌ها و بالا رفتن غیر منطقی جریان خون، اختلالات تعادلی، حلات صعبی، به هم ریختن سیستم خواب و بی‌اشتهایی تنها بخشی از خطراتی است که استفاده از ترامادول برای بدن به همراه دارد که در موارد مختلف منجر به مرگ هم می‌شود!

**البته مسئله فقط ترامادول نیست و بحث شیشه و دیگر مواد مخدر نیز در میان است.**

بله، زمانی که در کمیته‌اخلاق بودم،بارها گزارش‌های کتبی

و شفاهی در این راستا به ما رسیده بود که در مهمانی‌های شیشه‌وفتبالیست‌ها بحث از قلیان و سیگار گذشته و به شیشه و قرص... هم رسیده، اما برای اثبات آن نه می‌شد کسی را احضار کرد و نه مدرکی در دست بود. شیشه را

حتی با آزمایش ادرار هم نمی‌توان اثبات کرد و تنها آزمایش خون لازم است.

**چرا بازیکنان به این مسئله روی می‌آورند؟**

فوتبالیست همیشه روی دور نیست، گاهی انرژی‌اش صرف حواسی می‌شود، تمرینات را درست انجام نمی‌دهد، اسیر دوستان ناباب یا مربیان بی‌اخلاق می‌شود و برای آنکه بتواند این مسئله را جبران کند، به مخدر روی می‌آورد. بی‌آنکه بداند چه ضرر جبران‌ناپذیری برایش دارد و گاه حتی به دوستان سن بالاتر نیز برای بالا بردن توان بدنی توصیه می‌کند!

**گاهی گفته می‌شود برخی مسائل شخصی است و نمی‌توان به زندگی شخصی بازیکن وارد شد.**

این چه حرفی است؛ بیینیم، مگر کارخانه ذوب‌آهن اجاره می‌دهد یکی از کارمندان با اعتیاد یا مست سرکارش برود؟ حتماً نه. حالا مقایسه کنید که یک کارمند ذوب‌آهن ۲ میلیون تومان می‌گیرد و مثلاً یک فوتبالیست ذوب‌آهن ۲ میلیارد. ما مریی داشتیم که بازیکن را به دلیل سرماخور دگی جریمه می‌کرد که چرا با کسی که سرماخورده معاشرت کردید که مبتلا شوید و توان همراهی تیم را نداشته باشید. این توجیه‌ها قابل قبول نیست. امروزه در تمام دنیا بازیکنان حرفه‌ای تمام وقتشان در اختیار باشگاه است. حتی اگر در خانه باشند هم باید طبق ضوابط باشگاه عمل کنند. مثلاً اگر باشگاه می‌گوید ساعت ۹ شب باید بخوابید، مجبور به رعایت هستند و اگر شب زنده‌داری کرده یا رفتارشان با قوانین باشگاه منافات داشته باشد جریمه و محروم می‌شوند. می‌خواهد این بازیکن خاطی رونالدو، مسی یا هر بازیکن مطرح دیگری باشد، باشگاه برای آنها هزینه می‌کند پس حق ندارند از بدنشان به شکلی استفاده کنند که برای همراهی تیم رانشانهت باشند و به آن ضربه بزنند.

**گزارشی از افزایش اعتیاد به شیشه و ترامادول در بین فوتبالیست‌ها**

## پیش به سوی تباهی

فوتبالی‌های دهه ۶۰ مؤثر دانسته‌است: «من اگر به هزار راه کشیده‌شدم، هم‌ماش به خاطر کم‌محل‌ی‌هایی بوده که در این ورزش و فوتبال به من شده‌است. بعد از این که فوتبالم را کنار گذاشتم کسی مرا تحویل نگرفت. البته تیم‌خواهم این مسئله را اگرکن کسی ببندازم چون از همه بیشتر خودم مقصر بودم که دنبال این ماجرا رفتم»البته بازیکنانی مانند رضا کبیریان هم که در استقلال و پرسپولیس بازی کرده بود، پس از خدا حافظی از فوتبال، به دلیل کشف شیشه در منزلش حتی تا پای اعدام هم رفت.

**فوتبالیست‌های شیشه‌ای**

اما داستان اعتیاد به موادمخدر و قرص‌های روانگردان در دهه ۸۰ و به خصوص در دهه ۹۰ در فوتبال ایران فرق دارد. در دهه ۶۰ بی‌توجهی و مشکلات مالی بازیکنان را اکثراً به‌دام اعتیاد می‌کشند،اما در این سال‌ها،قرار دادهای میلیاردری و تغییر سبک زندگی فوتبالیست‌ها و افزایش روابط خارج‌از قاعده فوتبالی‌ها و همچنین دوپینگ، سبب شده تا آنها به سمت استفاده از موادمخدر و روانگردان‌ها گرایش پیدا کنند. هفت سال پیش و اواخر دهه ۸۰ بود که



یک بازیکن فوتبال در حال خوردن قرص ترامادول

**وقتی بر خوردی که باید از سوی باشگاه‌ها**

**نمی‌شود، مسئولان ورزش به چه شکلی باید به این مسئله مهم‌ورود کنند؟**

فدراسیون می‌تواند قوانین خودش را بگذارد، باید استفاده از مخدرها و قرص‌هایی چون ترامادول ممنوع شود. این در راستای سلامت فرد، فوتبال، ورزش و جامعه است. وقتی شما سلامت جامعه را می‌خواهید باید ابتدا ورزشکاران و فوتبالیست‌ها که در حمایت از پرچم‌دار ورزش و سلامت در جامعه می‌آورد. بی‌آنکه بداند چه ضرر جبران‌ناپذیری برایش دارد و گاه حتی به دوستان سن بالاتر نیز برای بالا بردن توان بدنی توصیه می‌کند!

**گاهی گفته می‌شود برخی مسائل شخصی است و نمی‌توان به زندگی شخصی بازیکن وارد شد.**

این چه حرفی است؛ بیینیم، مگر کارخانه ذوب‌آهن اجاره می‌دهد یکی از کارمندان با اعتیاد یا مست سرکارش برود؟ حتماً نه. حالا مقایسه کنید که یک کارمند ذوب‌آهن ۲ میلیون تومان می‌گیرد و مثلاً یک فوتبالیست ذوب‌آهن ۲ میلیارد. ما مریی داشتیم که بازیکن را به دلیل سرماخور دگی جریمه می‌کرد که چرا با کسی که سرماخورده معاشرت کردید که مبتلا شوید و توان همراهی تیم را نداشته باشید. این توجیه‌ها قابل قبول نیست. امروزه در تمام دنیا بازیکنان حرفه‌ای تمام وقتشان در اختیار باشگاه است. حتی اگر در خانه باشند هم باید طبق ضوابط باشگاه عمل کنند. مثلاً اگر باشگاه می‌گوید ساعت ۹ شب باید بخوابید، مجبور به رعایت هستند و اگر شب زنده‌داری کرده یا رفتارشان با قوانین باشگاه منافات داشته باشد جریمه و محروم می‌شوند. می‌خواهد این بازیکن خاطی رونالدو، مسی یا هر بازیکن مطرح دیگری باشد، باشگاه برای آنها هزینه می‌کند پس حق ندارند از بدنشان به شکلی استفاده کنند که برای همراهی تیم رانشانهت باشند و به آن ضربه بزنند.

**چند روز قبل با پیدا شدن قرص‌های روانگردان**

**در کیف دو بازیکن مشهور، بحث بحران ترامادول بار دیگر سرزبان‌ها افتاد.**

بحث وجود مخدرها و ترامادول در فوتبال ما تا زگی ندارد.

وقتی فوتبال به عنوان یک ورزش که می‌تواند سلامت را برای جامعه به دنبال داشته باشد از حالت جولانمردی خارج می‌شود باید منتظر مسائل نگران‌کننده‌ای بود.فوتبال یک ورزش است برآی سلامتی و نشاط. باید با تمرین و افزایش قدرت بدنی و توانایی تیمی از این طریق به نتیجه برسد اما متأسفانه وقتی از بحث اخلاقیات خارج می‌شود، به پیراهه می‌رود. آن وقت است که شاهد اتفاقات ناگواری هستیم.

**یعنی بی‌اخلاقی‌ها عامل ورود مخدرها به فوتبال هستند؟**

بله، فوتبال ما متأسفانه بر عزم تمام شعارهایی که داده می‌شود اصلاً اخلاق‌مدار نیست و آن واژه فرهنگی که قبل از نام باشگاه‌ها بر سر در آنها نوشته شده فقط یک شعار است. برخی مربیان فقط به دنبال نتیجه گرفتن هستند و برای رسیدن به هدف خود، به هر بی‌اخلاقی و مضملی دست می‌زنند حتی اگر آن،توصیه به پزشکان برای تجویز داروهای چون ترامادول برای بازیکنان باشد. داروهایی که بسیار زیان‌آور است و اگر بازیکنان با عوارض آن آشنا باشند هرگز به خوردنش تن نمی‌دهند. اما گاهی حتی این داروها به اسم تقویتی و به شکل آمپول به بازیکنان زده می‌شود. من خودم شاهد بودم که به پچه‌ها آمپول‌هایی تحت عنوان تقویتی ویتامین زده می‌شد که آنها نمی‌توانستند تا صبح راحت بخوابند، اما فردا قدرت بدنی خوبی داشتند و بعد از آن با درهای عضلانی و... مواجه می‌شدند.

**نشان باشگاه‌ها در این راستا چیست؟ خصوصاً که گاه ممکن است مدیران بی‌اطلاع باشند.**

امروزه هیچ مدیرعاملی از آنچه در تیمش رخ می‌دهد بی‌خبر نیست. امروزه همه از هر آنچه اتفاق می‌افتد

**پدیده پیرانگر اعتیاد به**

**موادمخدر و قرص‌های روانگردان زنگ خطر را در**

فوتبال ایران به صدا در آورده است، هفت گذشته بود که یکی از روزنامه‌های ورزشی از اعتیاد دو ستاره فوتبال به شیشه و ترامادول خبر داد تا این پدیده شوم دوباره به صدر خبرها برگردد. اگر در دهه ۶۰ فوتبالیست‌های ایرانی به خاطر مشکلات مالی و فشار زندگی و بی‌توجهی‌های فسادچین فوتبال،رو به اعتیاد می‌آوردند، حالا در دهه ۸۰

دهه ۹۰، رفاه بالا و قرار دادهای میلیاردری و زندگی بدون قید و بند برخی فوتبالیست‌ها و روابط نامتعارف سبب شده تا آنها رو به استفاده از مواد مخدر بیابورند؛ مسئله‌ای که هر چند وقت یکبار بار سوابی یکی از اهالی فوتبال در سطح جامعه می‌پيچد، آن هم در شرایطی که مسئولان در کمیته اخلاق، فدراسیون فوتبال و باشگاه‌هایی تفاوت به فساد اخلاقی و اعتیاد در فوتبال، کوچک‌ترین برخوردی با چنین پرنده‌هایی انجام نمی‌دهند تا پدیده اعتیاد در فوتبال رو به گسترش باشد.

**اعتیاد از سر بی‌توجهی**

نام فوتبالیست‌های مشهوری در دهه ۶۰ می‌توان ردیف کرد که به دام اعتیاد افتادند، بازیکنانی که در روزهایی بازی می‌کردند که خیبری از قرار دادهای میلیاردری این روزها نبود. برخی از آنها سال‌هاست ترک کرده‌اند و دوباره به

جامعه فوتبال برگشته‌اند اما بعضی از این بازیکنان هم تا آخر عمر در دام اعتیاد گرفتار ماندند.مجتبی محرمی یکی از این فوتبالیست‌های مطرح بود که حالا چند سالی است پاک شده است. او در مصاحبه‌ای که آذر ماه سال ۹۲ با برنامه ورزش از نگاه ۲ داشت، به جوانان هم توصیه‌هایی داشت و از آنها خواست به سمت اعتیاد و مسائل حاشیه‌ای نروند:

«من از خط قرمز نگذشتم؛ به ورود ممنوع رفتم. همین جاز همه می‌خواهم که از من عبرت بگیرند و مثل مجتبی به اسم گذر از خط قرمز به ورود ممنوع نروند.» مهدی فونی‌زاده مدافع تیم ملی و استقلال هم که هشت سال است، با رهایی از اعتیاد پاک شده، بی‌توجهی مسئولان را در اعتیاد

## فوتبال ایران در محاصره افیون

**نگاه**

**شیوانوروزی**

بول حرف اول را در فوتبال ایران می‌زند و همین بول بی‌زبان و بادآورده است که پای حاشیه، بی‌اخلاقی، فساد و مواد مخدر را به مستطیل سبز باز کرده است. تداوم بول پرستی، سوءمدیریت و عدم نظارت مسئولان

این رشته پرطرفدار را در کشورمان به قهقرا سوق داده تا جایی که مصرف شیشه، ترامادول و مواردی از این دست به امری بین فوتبالیست‌های داخلی تبدیل شده است.

حواشی فوتبال ما به شدت رو به افزایش است و هر روز که می‌گذرد ابعاد ناهای از افسار گسیختگی این رشته بی‌دروپیکر نمایان می‌شود. با اینکه سال‌هاست ادعای حرفه‌ای‌گری‌مان گوش فلک را کر کرده اما در عمل حتی ابتدایی‌ترین فاکتورهای حرفه‌ای شدن هم رعایت نمی‌شود. باشگاه‌هایی که اسم «فرهنگی – ورزشی» را یدک می‌کشند در واقع کوچک‌ترین توجیهی به حال و روز بازیکنان و مربیان خود نمی‌کنند. آنها در حقیقت بعد از بستن قرار دادهای تیم را به حال خود رها می‌کنند و برایشان فرقی ندارد فوتبالیست و مربی بیرون از زمین چگونه قوانین مهم و البته حرفه‌ای را بدون ترس و واهمه از جریمه شدن زیر بامی‌گذرانند. علنی شدن مصرف مواد مخدر از سوی برخی فوتبالیست‌ها که متأسفانه تعدادشان کم نیست چالش خطرناکی است که زنگ خطر آن سال‌هاست به صدا در آمده است، ولی گوش‌های شنوای فوتبال پر سرگرم امور خود هستند و برای آنکه جایگاهشان به خطر نیفتد خودشان را به نشین زده‌اند. زمستان سال گذشته بود که ایفمارک (کمیته تحقیقات و توسعه مرکز پزشکی فیفا در ایران) استعمال دخانیات، سیگار و اعتیاد برخی فوتبالیست‌های کشورمان را در گزارشی رسماً تأیید کرد.

نتیجه‌اش چه بود؟ جز اینکه چند نفری در رسانه‌های مختلف اظهارنظر کردند و تمام‌همین بی‌تفاوتی‌ها و بی‌توجهی‌هاست که کار را به استعمال مواد مخدر کشانده تا آمودل، شیشه یا هر ماده مخدر دیگر، فرقی نمی‌کند همگی مضر هستند و مصرف آن برای همه ورزشکاران ممنوع است. اگرچه این مواد جزو مواد ممنوعه یا همان دوپینگ محسوب نمی‌شود اما ممنوعیت استعمال آنها در تمام دنیا برای ورزشکاران حرفه‌ای وجود دارد و هم مدیران و مربیان از آن خبر دارند هم ورزشکاران با این حال در ایران و در کشوری که گردش مالی فوتبالش واقعاً نجومی است اما مصرف مواد مخدر از سوی فوتبالیست‌های وطنی رو به افزایش است. تا جایی که اخیراً در وسایل شخصی دو بازیکن اسم و رسم‌دار مخدر پیدا شده! بحران بالا گرفته و دیگر نمی‌توان آن را کتمان کرد. تعدادی از بازیکنانی که داعیه حرفه‌ای بودن دارند و به خاطر همین ادعاهایشان است که قراردادهای میلیاردی امضا می‌کنند بدون آنکه نگران آینده خود و باشگاه و همچنین برخورد‌های قانونی باشند تا آمودل و شیشه مصرف می‌کنند؛ به همین راحتی بدتر از همه اینکه خیلی‌ها از این حقیقت تلخ آگاه هستند ولی حوصله در دسر ندارند و با سکوت در مقابل این پدیده شوم به هر چه بیشتر فرار می‌شوند آن کمک می‌کنند جای بسی تأسف است که آقایان مسئول به جای نظارت دقیق و رصد کردن معضلات اخلاقی – رفتاری بازیکنان تیم‌های مختلف فوتبال را به حال خود رها کرده‌اند و تقصیرات را گردن خود می‌اندازند. در حالی که مصرف‌کنندگان روانگردان، حال

ترامادول و شیشه به کار خود مشغول هستند و در ترکیب اصلی تیم‌هایشان هم به میدان می‌روند. معلوم نیست چند سال دیگر باید منتظر باشیم تا شاید مسئولان به فکر مبارزه با اعتیاد و روافزون در فوتبال بیفتند. ریشه این پدیده خطرناک را باید در سهل‌انگاری‌های گذشته جست‌وجو کرد. زمانی که حاشیه‌های از یک فوتبالیست سر می‌زد و رسانه‌ها و کار شناسان علیه آن موضع می‌گرفتند مدیران و مسئولان به جای برخورد با حاشیه‌سازان از او حمایت می‌کردند. به این بهانه که کار شناسان و رسانه‌ها از روی عناد انتقاد می‌کنند. وقتی اخیراً شرب‌زنده‌داری‌ها، سیگار و قلیان کشیدن‌ها و شوخی‌های زنده برخی، رسانه‌ای می‌شد متخلفان به جای عذر خواهی و اظهار ندامت با وقاحت از رفتار خود دفاع کرده و عجیب‌تر اینکه بسیاری نیز در حمایت از آنها سینه سپر می‌کردند. آنقدر دست روی دست گذاشتند و برای رسیدن به مقاصد فوتبال را به تباهی کشیدند که امروز نا حرفه‌ای مستطیل سبز می‌شود ناخودآگاه یاد حواشی ریز و درشت فوتبالیست‌هایی می‌افتیم که هیچ برخورد فاعلی با آنها نشده نمی‌شود. حال با عیان شدن گسترش اعتیاد در بین بازیکنان ایرانی علاقه خانواده‌ها برای حضور فرزندانشان در این رشته روز به روز کمتر می‌شود. مبارزه با اعتیاد عزم جزم می‌خواهد، عزمی که در فوتبال وجود خارجی ندارد. ما حاصل مصاحبه، همایش و شعارهای قشنگ مدیران و دست‌اندر کاران فوتبال چیزی نبوده جز افزایش گرایش فوتبالیست‌های این مرز و بوم به مواد مخدر!



**از فوتبال تا دوچرخه‌سواری، از گارنیشا تا پانتانی**

**دام گسترده الکل و موادمخدر**

**برای ستاره‌های ورزش جهان**

**به صورت طبیعی هیچ سختی میان ورزش و پدیده زشت و قبیحی به نام اعتیاد به موادمخدر نیا بد وجود داشته باشد، ورزشکاران را انسان‌های سالمی می‌دانیم، چه به لحاظ جسمی و چه از**

منظر روحی و روانی اما همین ورزشکاران وقتی با را از حد خود فراتر می‌گذارند و به قول معروف خود را دست بالا می‌گیرند آن وقت اسیر سرنوشت‌هایی می‌شوند که کمتر کسی می‌تواند آن را باور کند.

**بلایی به نام الکل**

مصرف بیش از حد الکل یکی از مواردی است که ستارگان ورزش دنیا به ویژه چهره‌های بزرگ فوتبال اسپران شده‌اند. یکی از ستارگان فراموش‌نشدنی فوتبال گارنیشا فوق ستاره برزیلی در جام‌های جهانی ۱۹۵۸ سوئد و ۱۹۶۲ شیلی است؛ ستاره‌ای که حتی می‌توانست در جام جهانی ۱۹۶۶ لندن هم ستاره باشد ولی روی آوردن به الکل و مصرف بیش از حد آن به خصوص در سال‌های بعد باعث شد تا در سال ۱۹۸۰ به خاطر مشکل کبد فوت کند. گارنیشا در حالی فوت کرد که گفته می‌شود در ۲۰ روز پایانی عمرش به صورت متوالی مشروبات الکلی مصرف می‌کرده و سه روز غذا نخورده بود. جلودتر که بیابیم، علاقه‌مندان به فوتبال حتماً غول میانه میدان تیم ملی انگلستان در جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا و بازیکن خستگی‌ناپذیر تانهم‌لاز رو را به خاطر دارند؛ بل گاسکوئین، بولندوزی که کمتر کسی تصور داشت روزی عکس‌هایی از او ببینند که فقط مایه تأسف و شرم باشد. گاسکوئین این روزها اینقدر مصرف می‌کند که باید او از میان بازی‌ها و در شرایط ظاهری نامناسب پیدا کنند او این روزها در حالی به خاطر مصرف بیش از حد الکل حتی روی پای خود بند نیست که روزی را می‌توان به یاد آورد که بعد از ۱۲۰ دقیقه بازی نفسگیر مقابل آلمان در نیمه‌نهایی جام جهانی سه ساعت تنیس بازی کرد. اما دیگر ستاره فوتبال جهان که اسپر الکل شد گردمولر آلمانی بود؛ گلزن افسانه‌ای ژرمن‌ها در جام جهانی ۱۹۷۴ و بازیکن بزرگ بایرن مونیخ. البته او عاقل‌تر از گارنیشا و گاسکوئین بود و با ترک این عادت زشت به زندگی بازگشت.

**دام موادمخدر**

سوء رفتار ورزشکان مطرح جهان تنها به استفاده بیش از حد الکل ختم نمی‌شود؛ استعمال موادمخدر در سطح گسترده‌ای از ورزشکاران مطرح رشته‌های گوناگون ورزشی دیده می‌شود، واقعیت تلخی که ریشه در سال‌های دور و نزدیک دارد. وقتی نام موادمخدر و کوکائین به میان می‌آید ناخودآگاه نام اسطوره فوتبال آرژانتین یعنی دیه‌گو مارادونا نیز به ذهن می‌آید. مارادونا اولین بار وقتی در بارسلون بود کوکائین مصرف کرد. هر چند موفقیت‌های فوق تصورش در سال‌های بعد حقیقت زندگی او را پنهان کرد، اما سرانجام در سال ۱۹۸۹ با محرومیتی ۱۵ ماهه روبه‌رو شد تا ناایل ضربه سنگینی بخورد، البته این پایان کار نبود و مارادونا در سال ۱۹۹۵ باز هم به دلیل استعمال موادمخدر با محرومیت روبه‌رو شد. وقتی رهبر کوپا از او خواست مواد را کنار بگذارد، مارادونا دوباره به زندگی برگشت.

در دنیای فوتبال می‌توان به چهره‌های مشهور دیگری هم اشاره کرد؛ مارک بونسچ دروازهبان تیم ملی استرالیا چهره آشنای برای ما ایرانی‌هاست. بونسچ در سال ۲۰۰۲ دروازه‌بان چلسی بود به سبب مصرف کوکائین با محرومیت روبه‌رو شد. او هر هفته مبلغ ۶ هزار یورو خرج این کار می‌کرد و روزانه ۱۰ گرم مصرف داشت. رنه هیگوئینتا، دروازه‌بان منحصربه‌فرد کلمبیا هم جزو معنادان بنام فوتبال است. او دوست صمیمی پابلو اسکوبار سلطان کوکائین جهان بوده و از جمله مصرف‌کنندگانی است که البته با محرومیت روبه‌رو نشده است!

اما چهره‌های مطرح ورزشی سایر رشته‌ها نیز از دام موادمخدر جان سالم به در نبرده‌اند؛ مارکو پانتانی و اینور گونزالس دوچرخه‌سواران ایتالیایی و اسپانیایی بودند که اولی به سبب مصرف بالا فوت کرد و دومی برای همیشه از دنیای حرفه‌ای دور شد. این بیاس بازیکن تیم بسکتبال بوستون سلتیک وقتی در سال ۱۹۸۴ به عنوان برترین بازیکن شناخته شد اینقدر مصرف کرد که او درون کرد و صبح فردا را ندید.